

# کتاب دانیال - شماره صد و سی و سه

پرده برداری از فرشیینه پیش‌گویانه: بینش‌هایی دربارهٔ زمان مهر شدن ۱۴۴,۰۰۰

Jeff Pippenger

2024-03-13

تمام انبیا با یکدیگر همداستان‌اند و همگی دربارهٔ پایان جهان یا جزئیات بیشتری گواهی می‌دهند تا دربارهٔ روزگاری که در آن می‌زیستند. گواهی آنان باید در دورهٔ نبوی دوران مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر به کار رود، زیرا اثر هر رؤیا در همان‌جا تحقق می‌یابد. اشعیا در باب ششم، در رؤیا اجازه یافت به قدس‌الاقداص بنگرد، در دوران مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار، جایی که او جلال خدا را دید. می‌دانیم که این پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ بود، زیرا او در آیه سه شنید که فرشتگان اظهار می‌کردند که زمین در آن هنگام از جلال او پر بود.

هنگامی که خدا می‌خواست اشعیا را با پیامی نزد قوم خود بفرستد، نخست اجازه داد که پیامبر در رؤیا به قدس‌الاقداص درون مقدسگاه بنگرد. ناگهان دروازه و پردهٔ اندرونی هیکل چنان می‌نمود که برافراشته یا کنار زده شده است، و به او اجازه داده شد که به درون، به قدس‌الاقداص بنگرد؛ جایی که حتی پای پیامبر نیز اجازهٔ ورود بدان نداشت. در برابرش رؤیایی پدید شد از یهوه که بر تختی بلند و برافراشته نشسته بود، و دامن جلال او هیکل را پر کرده بود. گرداگرد تخت، سرافین بودند، چون نگهبانان پیرامون پادشاهی عظیم، و جلالی را که ایشان را دربر گرفته بود باز می‌تاباندند. چون سرودهای ستایششان با نغمه‌های عمیق پرستش طنین‌انداز شد، ستون‌های دروازه به لرزه درآمد، چنان‌که گویی زمین‌لرزه‌ای آن را تکان داده است. با لبانی نیالوده به گناه، این فرشتگان ستایش‌های خدا را به زبان می‌آوردند. «قدوس، قدوس، قدوس است یهوه صبايوت»، بانگ برآوردند؛ «تمامی زمین از جلال او پر است.» [نگاه کنید به اشعیا ۱: ۶-۸].

سرافیم‌های پیرامون تخت، چون جلال خدا را می‌بینند، چنان آکنده از خشیت احترام‌آمیز می‌شوند که حتی یک لحظه نیز با تحسین به خود نمی‌نگرند. ستایش آنان برای خداوند لشکرهاست. چون به آینده می‌نگرند، آنگاه که تمامی زمین از جلال او پر خواهد شد، سرود پیروزمندانه در آوازی خوش‌آهنگ از یکی به دیگری طنین‌انداز می‌شود: «قدوس، قدوس، قدوس، خداوند لشکرهاست.» آنان از تمجید خدا کاملاً خرسندند؛ در حضور او ساکن، زیر لب‌خند تأیید او، چیزی بیش از این نمی‌خواهند. در داشتن شباهت او، در به‌جای آوردن فرمان او، در پرستش او، والاترین آرمانشان تحقق می‌یابد. کارگران انجیل، 21.

همچون اشعیا، به پیامبر حزقیال نیز اجازه داده شد تا به درون قدس‌الاقداص بنگرد. رؤیای حزقیال در باب اول، آیه اول آغاز شد.

و چنین شد که در سال سی‌ام، در ماه چهارم، در روز پنجم ماه، هنگامی که در میان اسیران کنار رودخانه کبار بودم، آسمان‌ها گشوده شد و رؤیاهای خدا را دیدم. حزقیال ۱:۱.

روای او در طول چند فصل ادامه می‌یابد و در فصل‌های هشت و نه نیز همان رویا ادامه دارد و در آنجا مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر مشخص می‌شود. ما این را از گواهی دقیق او می‌دانیم.

و واقع شد که در سال ششم، در ماه ششم، در روز پنجم ماه، هنگامی که در خانهٔ خود نشسته بودم و مشایخ یهودا در برابر من نشسته بودند، دست خداوند خدا در آنجا بر من فرود آمد. آنگاه نگرستم، و اینک صورتی به مانند ظاهر آتش؛ از کمرش به پایین آتش، و از کمرش به بالا، همچون نمود درخشندگی، مانند رنگ کهربا. و شکل دستی پیش آورد و مرا از گیسوی سرم گرفت؛ و روح

مرا میان زمین و آسمان بالا برد و در رؤیاهای خدا مرا به اورشلیم آورد، به در دروازه درونی که رو به شمال دارد؛ جایی که جایگاه بت غیرت بود که به غیرت برمی‌انگیزد. و اینک، جلال خدای اسرائیل در آنجا بود، مطابق رؤیایی که در دشت دیدم. حزقیال 1:8-4.

رؤیای باب‌های هشتم و نهم که دو دسته‌ای را که در جریان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر شکل می‌گیرند مشخص می‌کند، «مطابق با آن رؤیایی بود که» حزقیال «در دشت» دیده بود. رؤیایی که او در دشت دیده بود، در باب سوم مشخص شده است.

و دست خداوند در آنجا بر من بود؛ و به من گفت: برخیز، به دشت بیرون برو، و در آنجا با تو سخن خواهم گفت. آنگاه برخاستم و به دشت بیرون رفتم؛ و اینک، جلال خداوند در آنجا ایستاده بود، مانند جلالی که نزد رودخانه خبار دیده بودم؛ و بر روی خود افتادم. حزقیال 3:22، 23.

رؤیای حزقیال از «دشت»، همانند «جلالی که» او «در کنار رود Chebar دید» بود، و آن همان رؤیای فصل یک، آیه یک بود. رؤیای مهرگذاری در فصل نهم و رؤیای «دشت»، صرفاً ادامه‌هایی از رؤیای رود Chebar بودند. آن رؤیایی از جلال خدا در قدس‌الاقداص، در زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار نفر بود؛ چنان‌که رؤیای اشعیا نیز چنین بود. رؤیای اشعیا کار خدا را در برپا داشتن پیام‌آوران در زمان مهرگذاری آشکار می‌کرد، و در فصل دوم و سوم، حزقیال همان کار را با جزئیاتی بیش از اشعیا مشخص می‌کند، زیرا او پیام‌آوری را به تصویر می‌کشد که باید پیامی را به ادونتیسیم لاودیسیایی برساند، و برای درک پیامی که او باید به مردمان یاغی که نادیده گرفته می‌شوند برساند، به حزقیال فرمان داده می‌شود کتابچه کوچکی را بخورد که در دست فرشته بود، زمانی که او در 11 سپتامبر 2001 فرود آمد.

و نیز به من گفت: ای پسر انسان، هرچه می‌یابی بخور؛ این طومار را بخور و برو با خانه اسرائیل سخن بگو. پس دهانم را گشودم و او مرا واداشت که آن طومار را بخورم. و به من گفت: ای پسر انسان، شکمت را به خوردن وادار و اندرون‌ت را از این طوماری که به تو می‌دهم پر کن. آنگاه آن را خوردم، و در دهانم همچون عسل، شیرین بود. و به من گفت: ای پسر انسان، برخیز و نزد خانه اسرائیل برو و سخنان مرا به آنان بگو. زیرا تو نزد قومی با گفتاری بیگانه و زبانی دشوار فرستاده نشده‌ای، بلکه نزد خانه اسرائیل؛ نه نزد اقوام بسیار با گفتاری بیگانه و زبانی دشوار که سخنانشان را نتوانی فهمید. به راستی اگر تو را نزد ایشان می‌فرستادم، به تو گوش فرا می‌دادند. اما خانه اسرائیل به تو گوش فرا نخواهند داد، زیرا به من گوش فرا نمی‌دهند؛ زیرا تمامی خانه اسرائیل سرکش و سخت‌دل‌اند. اینک من روی تو را در برابر روی ایشان استوار ساخته‌ام و پیشانی‌ات را در برابر پیشانی‌هایشان سخت گردانیده‌ام. پیشانی‌ات را چون سنگی سخت‌تر از چخماق ساخته‌ام؛ از ایشان مترس و از نگاهشان مرعوب مشو، هرچند خانه‌ای یاغی‌اند. حزقیال 1:3-9.

غیریهودی در کتاب مقدس بیگانه است، و بیگانه سخنی بیگانه می‌گوید. حزقیال به خانه اسرائیل امروزی فرستاده شد، که در زمان مهر کردن، همان کلیسای ادونتیسیت روز هفتم لاودیسیایی است، کلیسایی که دارد از آن درگذشته می‌شود. پیام دوران مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار نفر برای کلیسای خداست، کلیسایی که نخست داوری می‌شود، و سپس، با فرا رسیدن قانون یکشنبه قریب‌الوقوع، صدای دوم باب هجده مکاشفه گله غیریهودی خدا را از بابل فرا می‌خواند. وقتی اشعیا در باب ششم، نماینده کسانی است که دعوت فرستاده شدن نزد خانه یاغی را با پیام لاودیسیایی می‌پذیرند، به او از پیش هشدار داده می‌شود که آنان قومی‌اند که می‌بینند اما در نمی‌یابند، و می‌شنوند اما نمی‌فهمند. اشعیا همان ویژگی را ثبت می‌کند که عیسی از باب ششم اشعیا نقل کرد، هنگامی که همان ویژگی را به یهودیان خرده‌گیر دوران حیات مسیح که از آنان درگذشته می‌شد نسبت داد.

در باب دوازدهم، حزقیال نیز دقیقاً همان اصطلاحات را به کار می‌برد و بدین ترتیب باب دوازدهم را به‌طور مشخص در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر قرار می‌دهد.

کلام خداوند نیز به من رسید و گفت: ای پسر انسان، تو در میان خاندان سرکش ساکن هستی که چشم دارند تا ببینند و نمی‌بینند؛ گوش دارند تا بشنوند و نمی‌شنوند، زیرا آنان خاندان سرکش‌اند. حزقیال ۱: ۱۲، ۲

باب دوازدهم حزقیال، زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌کند و در این راستا به پیام جعلی باران آخر می‌پردازد که از سوی میگساران، افرایم، که بر مردم اورشلیم حکمرانی می‌کنند، عرضه می‌شود؛ همان میگسارانی که نمی‌توانند کتاب مهر و موم شده را بخوانند. پیام جعلی باران آخر آنان بر پایه حواله دادن رؤیاهای نبوی کلام خدا به آینده‌ای دور است.

در آیات سه تا پانزده، به حزقیال دستور داده می‌شود تا رفتن قوم خدا به اسارت در بابل را به تصویر بکشد. اسارت در بابل نمایانگر قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه است، و سپس در آیات شانزده تا بیست، او قحطی‌ای را مشخص می‌کند که همراه با ویرانی شهرهاست و از ساعت زلزله عظیم آغاز می‌شود؛ همان قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه. مزایای زندگی روستایی در آن زمان بحران در آن‌جا نمایانده می‌شود، و سپس در آیات بیست‌ویک تا بیست‌وهشت، بخشی را داریم که در تاریخ میلریتی به‌عنوان حقیقت حاضر شناخته شد. این بخش در کتاب مناقشه عظیم، در شرح تاریخ میلریتی، کلمه‌به‌کلمه نقل شده است.

و کلام خداوند به من رسید و گفت: ای پسر انسان، آن ضرب‌المثلی که در سرزمین اسرائیل دارید چیست که می‌گویید: روزها به درازا کشیده و هیچ رؤیایی تحقق نمی‌یابد؟ پس به ایشان بگو: چنین می‌گوید خداوند خدا: این ضرب‌المثل را از میان برمی‌دارم و دیگر در اسرائیل آن را به‌عنوان ضرب‌المثل به کار نخواهند برد؛ بلکه به ایشان بگو: روزها نزدیک است و تحقق هر رؤیا، زیرا دیگر در خاندان اسرائیل نه رؤیای باطل خواهد بود و نه غیب‌گویی فریبنده. زیرا من خداوندم؛ سخن خواهم گفت، و سخنی که می‌گویم واقع خواهد شد؛ دیگر به تأخیر نخواهد افتاد؛ زیرا در روزهای شما، ای خاندان یاغی، سخن را خواهم گفت و آن را به انجام خواهم رسانید، می‌گوید خداوند خدا. بار دیگر کلام خداوند به من رسید و گفت: ای پسر انسان، اینک اهل خاندان اسرائیل می‌گویند: رؤیایی که او می‌بیند برای روزهای بسیار آینده است، و او از زمان‌های دور نبوت می‌کند. پس به ایشان بگو: چنین می‌گوید خداوند خدا: دیگر هیچ‌یک از سخنان من به تأخیر نخواهد افتاد، بلکه سخنی که گفته‌ام انجام خواهد شد، می‌گوید خداوند خدا. حزقیال ۳۱: ۱۲-۲۸.

پیام جعلی «باران دیرهنگام» که در زمان مهر کردن صد و چهل و چهار هزار ارائه می‌شود، ادعا می‌کند: «ایام به درازا کشیده و هر رؤیا باطل می‌گردد.» به هر حال، مگر آن پیام‌آورانی که موسی، الیاس، حزقیال، اشعیا و یوحنا نماینده‌شان هستند، در پیشگویی خود درباره ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ شکست خوردند؟ پیام ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در آن زمان این است: «رؤیایی که او می‌بیند برای روزهای بسیار آینده است و او درباره زمان‌های دور نبوت می‌کند.» در آن دوره، نه‌تنها هر رؤیا به وقوع خواهد پیوست، بلکه پیام‌آور باید به خاندان گمشده اسرائیل معاصر بگوید: «چنین می‌گوید خداوند یهوه: «من» آن «مثل» جعلی ادونتیسیم لاودیکیه‌ای را «موقوف می‌سازم»». به ایشان بگو: «ایام نزدیک است و تحقق هر رؤیا.» «دیگر هیچ‌یک از سخنان من به تأخیر نخواهد افتاد، بلکه همان کلامی که گفته‌ام انجام خواهد شد، می‌گوید خداوند یهوه.»

پیام لاودیکیه‌ای اقتضا می‌کند که این پیام مشخص کند که روزهایی نزدیک‌اند که اثر هر رؤیا به وقوع خواهد پیوست، و آن روزها روزهای مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است. نکته اساسی که نباید در این فراز از نظر دور بماند این است که خداوند مستقیماً اعلام می‌کند که در «روزها»یی که

نمایانگر دورهٔ زمان مهر کردن است، او «رؤیای باطل» ادونتیسیم لاودیکایی، «غیب‌گویی چاپلوسانه» آنان، و «ضرب‌المثل» جعلی‌شان را از میان برمی‌دارد. خداوند پیش از قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع، پیام قلبی باران پسین آنان را متوقف می‌کند، زیرا او آن را در همان روزهایی که درباره‌شان سخن می‌گوید، از میان برمی‌دارد. او با تأیید پیام حقیقی باران پسین، و در همان حال که برگزیدگان را برمی‌افزارد تا در هنگام قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع به‌عنوان علم باشند، آن را از میان برمی‌دارد. آن برگزیدگان پیش از «زلزله» مهر می‌شوند.

راه دیگری که او به‌وسیلهٔ آن ضرب‌المثل باطل پیام جعلی باران پسین را از میان می‌برد، آمدن داورهای غیرمنتظره و فزاینده خداست؛ داورهایی که برای فرزندان تاریکی غافلگیری سهمگینی خواهد بود، اما بخشی از همان پیامی هستند که فرزندان نور از پیش آن را پیشگویی کرده بودند. تاریخی که اکنون وارد آن می‌شویم در آستانهٔ رویارویی با داورهای خداست. آن داورها بارها در کلام خدا بیان شده‌اند، و دورهٔ مهر شدن، که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، همان جایی است که هر رؤیا، از جمله رؤیاهای مربوط به داورهای خدا، باید به آن برسد، زیرا کلام او هرگز باطل نمی‌شود.

در مقالات پیشین نشان دادیم که سه باب نخست کتاب دانیال، نمایانگر پیام‌های سه فرشته در باب چهاردهم کتاب مکاشفه هستند. باب دوم، پیام فرشتهٔ دوم است و از این رو تصویری از آزمون دوم در دورهٔ مهر شدن به‌شمار می‌آید. آزمون نخست باب یکم بود، و آن آزمون غذایی بود که آیا شخص خوراک آسمانی را برمی‌گزیند یا خوراک بابل را. باب دوم با حقیقت پنهانی که درون رویای نبوکدنصر دربارهٔ تصویر حیوانات—که همان پادشاهی‌ها هستند—نهفته بود، نمایانده شد.

باب دوم دانیال نمایانگر آزمون تصویر وحش در هنگام مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار است، و حاوی فهمی پنهان است، زیرا نبوکدنصر نتوانست خواب را به یاد بیاورد. این باب بیانگر حقیقتی پنهان است که در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار مهر آن گشوده می‌شود، و نیز حقیقتی پنهان دربارهٔ پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس که در تمثال نمایانده شده‌اند. این امر آزمون مرگ‌وزندگی برای دانیال و سه مرد شایسته، و همچنین برای حکیمان کلدانی که از خوراک بابلی می‌خوردند، بود.

به‌الن وایت نشان داده شد که تمثال وحش «پیش از بسته‌شدن مهلت شکل خواهد گرفت، زیرا این آزمون بزرگ برای قوم خداست که سرنوشت ابدی آنان به‌وسیلهٔ آن تعیین خواهد شد.» خواب پنهان نبوکدنصر نمایانگر آن آزمون است. حقیقت پنهان آن تمثال که در این روزها، زمانی که اثر هر رؤیا دیگر به درازا نمی‌کشد، آشکار شده، این است که عیسی، به‌عنوان آلفا و امگا، در نخستین و واپسین اشارات به پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس مشخص کرده است که وحش هشتم از آن هفت است.

وحش هشتم مکاشفه، فصل هفده، که از جملهٔ آن هفت است، همان قدرت پاپی است که به تخت زمین بازگردانده شده است، و راز پنهان عمیق‌تری که آشکار شده این است که همان‌گونه که ایالات متحده تصویر وحش را در این ملت شکل می‌دهد، همچنین پدیدهٔ هشتم، که از جملهٔ هفت است، را نیز نمایندگی خواهد کرد. ششمین رئیس‌جمهور از «زمان پایان» در سال ۱۹۸۹، که همان رئیس‌جمهور ثروتمندی است که سراسر قلمرو اژدها را برانگیخت، در سال ۲۰۲۰ به دست جهانی‌گرایان پیشرو، ووک و لیبرال زخمی مرگبار سیاسی دریافت کرد، چنان‌که شاخ حزب جمهوری‌خواه به دست وحش بی‌خدای کتاب مکاشفه، فصل یازده، در خیابان‌ها ترور شد.

در همان زمان، جنبش فرشتهٔ سوم، در ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰، به دست وحش الحادی باب یازدهم مکاشفه زخم مرگباری خورد. آن جنبش از ادونتیسیت‌های روز هفتم لاودیکی تشکیل شده بود، و در سال ۲۰۲۳، آن جنبش به‌عنوان جنبش فیلادلفی فرشتهٔ سوم برپا شد. هر دو شاخ در سال ۲۰۲۰ کشته شدند، و هر دو شاخ پس از سه روز و نیم نمادین برمی‌خیزند. تشکیل تصویر سیاسی وحش عبارت است از ترکیب کلیسا و دولت در ایالات متحده، و وحشی که ایشان در روزهای آخر از آن تصویری می‌سازند، وحش

هشتم است که از هفت است. وقتی تصویر وحش در ایالات متحده شکل بگیرد، همان ویژگی نبوی وحش هشتم روم را خواهد داشت.

هنگامی که آزمون صورت وحش بر شاخ پروتستان حقیقی تحقق یابد، کسانی که حقایق نبوی مرتبط با شکل‌گیری صورت وحش در هر دو شاخ وحش زمین را تشخیص می‌دهند، با صورت مسیح برای ابد مهر خواهند شد. آن دوشیزگان نادانی که رؤیای باطل و دل‌فریب را پذیرفته‌اند، برای ابد صورت وحش را برپا خواهند کرد.

همین بود آنچه نبی حزقیال دید، هنگامی که در برابر نگاه شگفت‌زده‌اش نمادهایی به تصویر کشیده شده بود که قدرتی را آشکار می‌کردند که بر امور فرمانروایان زمینی حکم می‌راند. چرخ‌هایی که یکدیگر را قطع می‌کردند به وسیله چهار موجود زنده به حرکت داده می‌شدند. بسیار بالاتر از همه اینها «شبه تختی بود که از نظر ظاهر چون یاقوت کبود بود؛ و بر فراز شبه تخت، شبهی نشسته بود که گویی به صورت انسان بود.» حزقیال ۱:۲۶، RSV.

چرخ‌ها، آن‌چنان پیچیده که در نگاه نخست آشفته می‌نمودند، در کمال هماهنگی حرکت می‌کردند. موجودات آسمانی آن چرخ‌ها را می‌راندند. جریان پیچیده رویدادهای انسانی زیر تدبیر الهی است. در میان کشاکش و غوغای ملت‌ها، آن که بر فراز کرובیان نشسته است همچنان امور این زمین را هدایت می‌کند. برای هر ملت و هر فرد، خدا در طرح بزرگ خود جایگاهی تعیین کرده است. امروز انسان‌ها و ملت‌ها به اختیار خود سرنوشت خویش را رقم می‌زنند، و خدا بر همه چیز حکم می‌راند تا مقاصد خویش را به انجام رساند.

نبوت‌هایی که «من هستم» عظیم در کلام خویش داده است، به ما می‌گویند که در سیر اعصار در کجا قرار داریم. همه آنچه نبوت تا زمان حاضر پیش‌گویی کرده، بر صفحات تاریخ نقش بسته است، و همه آنچه هنوز در پیش است، به ترتیب خود تحقق خواهد یافت.

نشانه‌های زمانه اعلام می‌کنند که ما بر آستانه رویدادهایی بزرگ و بس خطیر ایستاده‌ایم. همه چیز در جهان ما در تلاطم است. منجی از رویدادهایی که پیش از آمدنش رخ خواهند داد خبر داده است: «از جنگ‌ها و خبرهای جنگ خواهید شنید... قوم بر قوم و مملکت بر مملکت برخواهد خاست؛ و در جاهای مختلف قحطی‌ها و بیماری‌های واگیردار و زلزله‌ها خواهد بود.» متی ۲۴:۶، ۷. حاکمان و دولتمردان دریافته‌اند که چیزی بزرگ و سرنوشت‌ساز در شرف وقوع است—اینکه جهان در آستانه بحرانی سهمگین قرار دارد.

کتاب مقدس، و تنها کتاب مقدس، برداشت درستی از رویدادهایی به دست می‌دهد که همین اکنون سایه‌های خود را پیشاپیش افکنده‌اند؛ صدای نزدیک شدنشان زمین را می‌لرزاند و دل‌های مردم از ترس از حال می‌رود. «اینک، خداوند زمین را ویران خواهد ساخت و آن را به ویرانه‌ای بدل خواهد کرد، و سطح آن را درهم خواهد پیچید و ساکنانش را پراکنده خواهد ساخت.» «زیرا ایشان قوانین را زیر پا نهاده، فرایض را نقض کرده، و عهد جاودانی را شکسته‌اند. از این رو لعنت زمین را می‌بلعد و ساکنانش به سبب تقصیر خود رنج می‌برند.» اشعیا ۲۴: ۱، ۵، ۶، RSV.

افسوس! زیرا آن روز عظیم است، به گونه‌ای که مانندش نیست؛ بلکه همان وقت تنگی یعقوب است، اما او از آن نجات خواهد یافت. ارمیا ۳۰:۷

«زیرا که خداوند را، که پناهگاه من است، یعنی خدای متعال را، مسکن خود ساخته‌ای؛ هیچ بدی بر تو نخواهد آمد و هیچ آفتی به خانه‌ات نزدیک نخواهد شد.» مزمو ۹۱: ۹، ۱۰.

خدا کلیسای خود را در هنگام بزرگ‌ترین خطر و نخواهد گذاشت. او وعده‌رهای داده است. اصول ملکوت او از سوی همه کسانی که زیر آفتاب‌اند محترم شمرده خواهند شد. یادداشت‌های

"بازی پیچیده وقایع انسانی" همان چیزی است که با چرخ‌هایی که در چرخ‌ها تداخل می‌یافتند، در رؤیای حزقیال از قدس‌الاقداص، در زمان مهرگذاری، به تصویر کشیده شده بود. آن رویدادها تحت کنترل الهی‌اند، زیرا تحقق همه رؤیاهای کلام خدا هستند که اثر نهایی و کامل خود را در زمان مهرگذاری می‌یابند. صدایی وجود دارد که "بحرانی شگرف" را مشخص می‌کند که "جهان در آستانه"ی درک آن است. آن "صدا" باعث می‌شود "زمین بلرزد و دل‌های مردم از ترس از کار بیفتد." هم لرزش زمین و هم از کار افتادن دل‌های مردم از ترس، نمادهای صدای شیپور هفتم و نهایی هستند که همان وای سوم است.

خشمگین کردن ملت‌ها به وسیله اسلام وای سوم، مانند زنی در درد زایمان است و بنابراین نمایانگر بحرانی فزاینده و رو به تشدید است. آن بحران تشدیدشونده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد؛ و در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، درد زایمان بسیار شدید بعدی رخ داد، و چون کلام خدا هرگز ناکام نمی‌ماند، درد زایمان بعدی به زودی فرا می‌رسد و ویرانگرتر هم خواهد بود. آیا هنوز در شهر زندگی می‌کنید؟

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

"به نظر پیامبر، چرخ درون چرخ و ظاهر موجودات زنده‌ای که با آن‌ها مرتبط بودند، همه پیچیده و توضیح‌ناپذیر می‌نمود. اما دست حکمت بی‌کران در میان چرخ‌ها دیده می‌شود و نظم کامل، نتیجه کار اوست. هر چرخ، که به دست خدا هدایت می‌شود، با هر چرخ دیگر در هماهنگی کامل کار می‌کند. به من نشان داده شده است که ابزارهای انسانی مستعدند در پی قدرت بیش از حد برآیند و بکوشند کار را خود کنترل کنند. آنان خداوند خدا، کارگر قادر، را بیش از اندازه از روش‌ها و طرح‌های خود کنار می‌گذارند و همه چیز مربوط به پیشرفت کار را به او نمی‌سپارند. هیچ‌کس نباید حتی برای لحظه‌ای گمان کند که قادر است اموری را که به آن «من هستم» عظیم تعلق دارند، اداره کند. خدا در مشیت خود راهی مهیا می‌کند تا کار به وسیله عاملان انسانی انجام گیرد. پس بگذار هر کس در جایگاه وظیفه خویش بایستد، سهم خود را برای این زمان به‌جا آورد و بداند که خدا آموزگار اوست." گواهی‌ها، جلد ۹، صفحه ۲۵۹.